

که این نعمت عظیم حظی وانی داشته باشد و اگر او را از دنیا  
 بچیند و از دست سید ترا که با وجود منفعت سلطنت این  
 سعادت مخلوط باشد چه پادشاه را اطلاع بر کلیات جزو یا  
 امور مملکت و مصالح طوایف بر عینت ضرورت و درین امور  
 متکثر و چشم و کبیل و یک زبان کافی نیست و چون حکم صداقت  
 چشم و دل و زبان در میان ملک او شود بچشم همه بیند و کس  
 برمشنود و بزبان همه گوید و ضبط امور مملکت بر آسان گردد  
 اشرف الطیلس گفته که چون خواهد که شخصی را صداقت اختیار کند  
 اول استخبار احوال او باید نمود تا با پدر و مادر حال صمیمی شود  
 نموده اگر چه بر عقوق موسوم باشند اصلا بر او اعتماد نباید کرد و او را  
 بدوستی نشاید گرفت چه بر کس که حقوق و الدین را بعقوق مقابل  
 دارد از هیچ خیر طبع نتوان داشت بعد از آن از کیفیت معاشرت  
 او با دوستان و معاامل با ایشان تقصیر باید کرد بعد از آن اختیار  
 احوال او در شک و کفران نعمت او لیا و نعم باید نمود و اگر بصفت  
 کفران موصوف غنبت در دوستی او نیاید کرد چه در اوصاف ایشان

کتاب الفوائد  
 فی فضائل الصالحات  
 فی فضائل الصالحات